31805 ـ وزن شدن اعمال و توزیع نامه‌های اعمال در روز قیامت

سوال

توزیع نامه‌های اعمال در روز قیامت میان بندگان چگونه است و اعمال آنان چگونه وزن می‌شود؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

توزیع نامه‌های اعمال:

هنگامی که بندگان برای اعمالشان محاسبه شدند، هر بنده‌ای نامهٔ اعمالش را که همهٔ اعمال زندگی‌اش را در خود دارد دریافت می‌کند. مؤمن از روی گرامی‌داشت این نامه را از دست راست دریافت می‌کند و او کسی است که در روز قیامت نجات یافته و شاد است. الله تعالی می‌فرماید: فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (٧) فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (٨) وَيَنقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا [انشقاق: ٧ـ٩] (و اما کسی که نامهٔ [اعمال او] به دست راستش داده شود (٧) به زودی به حسابی آسان، محاسبه می‌شود (٨) و شادمان به سوی خانواده‌اش بازمی‌گردد).

و می‌فرماید: فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيه (١٩) إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيه (٢٠) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (٢١) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (٢٢) قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (٢٣) كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ [الحاقة: ١٩ـ٢٤] (اما کسی که نامهٔ [اعمالش] را به دست راستش دهند، می‌گوید: بیایید نامهٔ [اعمال] مرا بخوانید (١٩) من یقین داشتم که با حساب [اعمال] خود مواجه خواهم شد (٢٠) پس او در یک زندگی پسندیده [و رضایت‌بخش] خواهد بود (٢١) در بهشتی برین (٢٢) که میوه‌هایش [برای چیدن] در دسترس است (٢٣) [و به آنها گفته می‌شود] به [پاداش] آنچه در ایام گذشته پیش فرستاده‌اید، بخورید و بیاشامید؛ گوارایتان باد).

اما نامهٔ اعمال کافر و منافق و گمراه را به دست چپ و از پشت سرشان می‌دهند. الله تعالی می‌فرماید: وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (١٠) فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (١١) وَيَصْلَى سَعِيرًا [انشقاق: ١٠ـ١٢] (و اما کسی که نامهٔ [اعمال او] از پشت سرش به او داده شود (١٠) به زودی نابودیِ خود را خواهد طلبید (١١) و به [آتش] جهنم شعله‌ور در خواهد آمد). و می‌فرماید: وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيه (٢٥) وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيه (٢٦) يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ (٢٧) مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيه (٢٨) هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيه (٢٩) خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (٣٠) ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (٣١) ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ [الحاقة: ٢٥-٣٢] (و اما کسی که نامهٔ [اعمالش] را به دست چپش دهند، می‌گوید: ای کاش هرگز نامه [اعمالم] را به من

نمی‌دادند (۲۵) و نمی‌دانستم حسابم چیست! (۲۶) ای کاش [با مرگ،] همه چیز تمام می‌شد [و پایان کار بود]! (۲۷) مال و دارایی‌ام مرا بی‌نیاز نکرد [و سودی نبخشید] (۲۸) قدرت و فرمانروایی‌ام [نیز] از [دست] من رفت [و به کلی نابود شد] (۲۹) [به فرشتگان گفته می‌شود:] او را بگیرید و در بند و زنجیر کنید (۳۰) سپس او را به [آتش] دوزخ بیفکنید (۳۱) آنگاه وی را در زنجیری ببندید که طولش هفتاد ذِراع است). و چون نامهٔ اعمال بندگان به آنان داده شد، گفته می‌شود: هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ [الجاثية: ۲۹] (این نامهٔ [اعمالِ شما نزد] ماست که به‌حق بر شما گواهی می‌دهد. ما [تمام] اعمالی را که انجام می‌دادید [دقیقاً] ثبت می‌کردیم). اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا [اسراء: ۱۴] (نامه‌ات را بخوان. کافی است که امروز خود حسابگرِ خویش باشی).

اما دربارهٔ میزان و ترازوی اعمال:

برای وزن کردن اعمال بندگان، ترازو نهاده می‌شود. قرطبی می‌گوید: «چون حساب به پایان رسد اعمال وزن می‌شود زیرا وزن برای پاداش است و باید پس از محاسبه باشد زیرا محاسبه برای اندازه‌گیری اعمال و وزن برای اظهار ارزش آن است تا پاداش بر اساس آن داده شود».

نصوص شرعی دال بر این است که این ترازو حقیقی است و دو کفه دارد و اعمال بندگان با آن وزن می‌شود و ترازویی است بس بزرگ و قدر و اندازه‌اش را جز الله تعالی کسی نمی‌داند. علما در این باره اختلاف کرده‌اند که آیا این تنها یک ترازو است که اعمال همهٔ بندگان با آن وزن می‌شود یا آنکه ترازوهای بسیاری داریم که اعمال هر کس با ترازوی خودش وزن می‌شود. آنها که معتقد به ترازوهای پرشمار هستند به این استدلال کرده‌اند که میزان در برخی از آیات به صورت جمع آمده است، مانند این سخن حق تعالی: وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ [الأنبياء: ۴۷] (روز قیامت، ما ترازوهای عدل را [برای حسابرسی در میان] می‌نهیم؛ آنگاه به هیچ کس [کمترین] ستمی نمی‌شود؛ و اگر [کردارشان] همسنگِ دانهٔ خَردَلی باشد، آن را [به حساب] می‌آوریم؛ و کافی است که ما حسابرس باشیم). و آنان که ترازو را یکی می‌دانند به دلایلی مانند این سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ استناد کرده‌اند که می‌فرماید: «ترازو در روز قیامت نهاده می‌شود پس اگر آسمان‌ها و زمین در آن وزن شوند [برای همه] جا دارد، پس ملائکه می‌گویند: پروردگارا، این برای چه کسی وزن خواهد کرد؟ آنگاه الله تعالی می‌فرماید: برای هر یک از بندگانم که بخواهم....» (السلسلة الصحيحة: ۹۴۱).

آنها آیه‌ای را که در آن میزان (ترازو) با صیغهٔ جمع آمده را حمل بر تعدد وزن شده‌ها یعنی اعمال و گفته‌ها و نامه‌های اعمال و اشخاص دانسته‌اند و گفته‌اند: اشیایی که در این ترازوها وزن می‌شوند اینجا به صورت جمع آمده است.

از جمله دلایل بر وزن شدن گفته‌ها، این روایت ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «دو سخن است که بر زبان سبک است و در ترازو سنگین و نزد پروردگار رحمان محبوب است: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» به روایت بخاری (۶۴۰۴).

از جمله احادیثی که دال بر وزن کردن نامه‌های اعمال است، حدیث بطاقه (تکه کاغذ) است که ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که فرمودند: «در روز قیامت مردی بزرگ و چاق را می‌آورند که نزد الله به اندازۀ بال پشه‌ای وزن ندارد؛ اگر خواستید بخوانید: فَلا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا [کهف: ۱۰۵] (و روز قیامت [هیچ قدر و] ارزشی برایشان قائل نمی‌شویم)» به روایت بخاری (۴۷۲۹). همچنین روایتی دیگر دال بر همین است که در آن آمده که ابن مسعود ـ رضی الله عنه ـ از درخت اراک مسواک تهیه می‌کرد و ساق پاهایش باریک بود، پس باد ساق‌هایش را آشکار کرد و مردم به او خندیدند. رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: «به چند می‌خندید؟» گفتند: از لاغری ساق‌هایش ای رسول خدا! پس فرمود: «قسم به آنکه جانم به دست اوست؛ این دو در میزان از کوه احد سنگین‌ترند» آلبانی در شرح طحاویه (۴۱۸: ۵۷۱) سند آن را حسن دانسته است.

از الله تعالی خواهانیم که ترازوهای ما را سنگین گرداند.